

معیارهای زیست مؤمنانه حرکت بر مدار اخلاق قرآنی

برای هر چیز معیار و میزان است و معیار اخلاقی زیستن، قرآنی زیستن است. قرآن کریم آموزه‌های اخلاقی و رفتاری فراوانی دارد که اصول و چارچوب‌های درست رفتار و الگوی تمام‌عیار زیست مؤمنانه را به تصویر کشیده‌اند.

قرآن مظهر رحمت و جلوه ربوبیت خداوندی و از این رو کتاب تربیت و هدایت است و در این مسیر چیزی را فروگذار نکرده است: «و نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء و هدی و رحمه و بشری للمسلمین» (و این کتاب را بر تو نازل کرده‌ایم تا روشنگر همه چیز باشد و هدایتی و رحمتی و مسلمانان را بشارتی) (نحل / ۸۹). آری قرآن کتاب زندگی و برای زندگی است. آمده است که زندگی تازه و نویی به آدمی ببخشد:

«یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید دعوت خدا و رسول را اجابت کنید، آنگاه که شما را به چیزی فرا می‌خواند که زنده‌تان می‌سازد) (انفال / ۲۴).

این همان فلسفه و کارکرد اصلی دین است که در این آیه به صراحت بیان شده است. آری آموزه‌های اخلاقی و رفتاری قرآن کریم الگوی تمام عیار زیست مؤمنانه هستند. در خلال عمل به این آموزه‌ها و با دگرگونی حیات و سلوک معنوی آدمی است که انسان قرآنی شکل می‌گیرد. انسان قرآنی انسانی است که:

از اظهارنظر و چون و چرا درباره چیزی که نمی‌داند پرهیز می‌کند: «فلم تحاجون فیما لیس لکم به علم» (آل عمران / ۶۶) و: «و تقولون بافواهمک ما لیس لکم به علم» (نور / ۱۵).

به دنبال آموختن برای رشد است: «قال موسی هل اتبعک علی ان تعلمن ما علمت رشداً» (کهف / ۶۶).

اهل تحقیق است. به دیدگاه‌های مختلف توجه دارد و بهترین‌ها را گزینش می‌کند، اهل گفت‌وگو به منظور دستیابی و کشف حقیقت است: «فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه» (زمر / ۱۸).

گمان و حدس را پایه قضاوت‌های خویش قرار نمی‌دهد. از شایعه و دروغ گریزان است و به هر گزارش و خبری ترتیب اثر نمی‌دهد: «ان جائکم فاسق بنبا فتبینوا» (حجرات / ۶).

«اجتنبوا کثیراً من الظن ان بعض الظن اثم» (حجرات / ۱۲) و: «ان الظن لا یغنی من الحق شیئاً» (یونس / ۳۶).

استبداد رأی ندارد و هرگز خود را از مشورت با دیگران بی‌نیاز نمی‌بیند: «و شاورهم فی الامر» (آل عمران / ۱۵۹).

آیات حتماً وضو داشته باشید و بدون وضو دستتان به آیات نخورد.
دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید در هنگام خواندن

استقلال فکری حق محور دارد. در مسیر درست خویش حرکت می کند و هم رنگ جماعت نمی شود: «و لا تتبعوا اهلهم» (مانده / ۴۸) و: «و ان تطع اکثر من فی الارض یضلک عن سبیل الله» (انعام / ۱۱۶).

حق و حقیقت را - آگاهانه و دانسته - پنهان نمی کند و آن را بیان می کند: «و لا تلبسوا الحق بالباطل و تکتموا الحق و انتم تعلمون» (بقره / ۴۲).

یک رنگ و به دور از ریاکاری و نفاق است و رفتار نمایشی ندارد: «و لا تکنوا کالذین خرجوا من ديارهم بطرا و رءاء الناس» (انفال / ۴۷) و: «کبر مقتا عند الله ان تقولوا مالا تفعلون» (صف / ۲).

در فراز و فرود زندگی متانت دارد و صبر خویش را از دست نمی دهد. در مقابل هر پیشامدی - چه کوچک و چه بزرگ - صابر و شکیباست: «و الصابرين فی البساء و الضراء و حین الباس» (بقره / ۱۷۷) و: «و اصبر علی ما اصابک» (لقمان / ۱۷).

در گذران زندگی هیچ چیز را پایدار نمی داند. از این رو از دست دادن ها و به دست آوردن ها، او را دچار پریشانی یا ذوق زدگی و سرمستی نمی کند: «لکیلا تأسوا علی ما فاتکم و لا تفرحوا بها آتاکم والله لا یحب کل مختال فخور» (حدید / ۲۳).

با حسن سلوک و ادب و احترام در میان انسان ها روزگار می گذراند و در حفظ حریم و احترام دیگران کوشاست. از این رو غیبت، عیب جویی و مسخره نمی کند: «و لا تجسسوا و لا یغتب بعضکم بعضاً» (حجرات / ۱۲) و: «لا یسخر قوم من قوم... و لا تنازروا باللقاب» (حجرات / ۱۱).

مسخره بازی و دست انداختن دیگران را نمودی از نادانی می داند و از آن رو به شدت از آن پرهیز می کند: «قال اتخذنا هزوا قال اعدو بالله ان اکون من الجاهلین» (بقره / ۶۷).

